



یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ را پاس داریم

۱۹ و ۲۲ بهمن ماه در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده های زحمتکش ایران از نقاط عطف مهم تاریخی محسوب میشوند. در اواخر دهه ۱۳۴۰ عده ای از جوانان کمونیست با جمع بندی از وضعیت اقتصادی و سیاسی جامعه و تدوین تئوری مبارزه مسلحانه، سرانجام در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ با حمله به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل، مبارزه مسلحانه علیه رژیم شاه و کل نظام ارتجاعی حاکم بر ایران را آغاز نمودند.

مبارزه مسلحانه توسط سازمان چریکهای فدائی خلق که با هدف برقراری سوسیالیسم بنیان نهاده شده بود، با این امید آغاز شد که بدینوسیله قدر قدرتی دستگاه جهانی شاه و ترس و وحشت نهادی شده در دل طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم بشکند و آنها را به قدرت لایزال خود آگاه سازند، تا با سلاح آگاهی و تشکل خود، نظام ارتجاعی حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خود را در دست گیرند.

چند سالی از حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه نگذشته بود که به رغم شهادت بسیاری از رفقا در زیر شکنجه و میدانهای نبرد و تیرباران، آموزه های اقدام انقلابی آنان در خیزش توده ای و قیام قهرامیز بهمن ۵۶ تبریز به شعله ای تبدیل شد که به فاصله کمتر از یکسال سراسر ایران را فراگرفت و در ۲۲ بهمن ۵۷ با قیام مسلحانه رژیم ستم شاهی را به گور سپرد.

ادامه در صفحه ۳

اعلامیه کمیته ولایتی کرج در صفحه ۷

ایران باید برای مقابله با یک حمله هسته ای آماده شود. در صفحه ۵

مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت ملل ایران در صفحه ۴

گزارش تفصیلی از گردهمایی معلمان از کانون صنفی معلمان تهران در صفحه ۲

اجتماع مجدد معلمان در مقابل «مجلس»

«هیچ کس حتی علت این تجمع را از آنها جویانند».

در پی تظاهرات و تجمعات روزهای گذشته معلمان در تهران و شهرستانها و بی پاسخ ماندن نیازها و مطالبات شان از سوی حاکمیت، از امروز صبح هزاران نفر از معلمان از نقاط مختلف تهران به سمت بهارستان حرکت کرده و در مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند.

معلمان زحمتکش در این تجمع اعتراضی خود بار دیگر برخواستهای خویش پای فشردند. آنها در پلاکاردها و سخنرانیها و شعارهای دسته جمعی خود علاوه بر اعتراض به عدم اجرای لایحه «نظام هماهنگ پرداخت ها» دیگر خواست ها و مطالبات خود را نیز طرح و خواستار تحقق آنها شدند.

آنها در پلاکاردهای خود نوشته بودند «بچه ها در جزوه های خود بنویسید کسی با کسی برابر نیست»، «نمایندگان مجلس! اگر در دادن حقوق معلمان ناتوانید، رای ما را پس بدهید»، «فرشیدی، فرشیدی، سنگرت را رها کن! مجلس، مجلس، فکری به حال ما کن!»، «احمدی نژاد، عدالت یا فریب کاری؟!»، «در مقام هم شان روحانی هستیم، در معیشت ندانیم کجا هستیم»، «نظام هماهنگ پرداخت اجرا باید گردد»، «رسانه خصوصی ملی باید گردد»، «از فردا مدرسه ها تعطیل»، «مجلس به این بی غیرتی هرگز ندیده ملتی»، «نظام هماهنگ باید اجرا شود»، «نگرانی از رواج تحجر» و «عدم برخورد امنیتی و قضایی با فعالان صنفی و فعالان تبعید شده» بودند علاوه بر تهران در زنجان، کرمانشاه، رشت، اصفهان، اردبیل، مریوان، میانه، شیراز، شهر رضا، سبزوار، خمین، اصفهان، تبریز و دیگر شهرها نیز تجمعات مشابهی برگزار گردید.

تجمع اعتراضی امروز معلمان در حالی برگزار شد که آنها طی روزهای گذشته نیز دست به اعتراض زده بودند اما کوچکترین توجهی به خواست های آنها نشده بود. حتی صدای و سیمای جمهوری اسلامی از پوشش خبری این حرکت اعتراضی بزرگ خودداری نموده بود. طبق گزارشات دریافتی هر چند که آخر وقت دیشب نمایندگانی از مجلس حاضر به گفتگو با نمایندگان کانون صنفی معلمان شده بودند اما گویا این مذاکرات هم به نتیجه نرسیده است. متعاقب آن دستگیری شبانه فعالان صنفی فرهنگیان به صورت گسترده از ساعت ۱۱ شب به وقت تهران آغاز شد. که اسامی برخی از آنها که منتشر شده اند از قرار زیر است.

اجتماع مجدد معلمان در مقابل «مجلس»

۱- علی اکبر باغانی دبیرکل کانون صنفی معلمان

۲- محمود بهشتی لنگرودی سخنگوی کانون صنفی

۳- علیرضا هاشمی دبیرکل سازمان معلمان

۴- محمد داوری عضو شورای مرکزی سازمان معلمان

۵- علی پورسلیمان عضو شورای مرکزی سازمان معلمان

اخبار صبح امروز حاکی از آن است که در نتیجه تجمع گسترده معلمان حاکمیت مجبور به آزاد نمودن افراد دستگیر شده گردیده و آنها در میان استقبال همکاران خود به تجمع اعتراضی پیوسته اند.

شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان که دربرگیرنده کانون های صنفی معلمان استان

رسیده به مقامات کشور هشدار داده است که «فشارهای وارد شده بر تشکل های صنفی فرهنگیان و جامعه معلمان کشور تنها برای یک سال کارایی داشته و معلمان دوباره به پا خاسته اند».

واقعیت این است که خواست ها و مطالبات معلمان نظیر خواست ها و مطالبات کارگران، از آن دسته خواست ها و مطالباتی هستند که بدون برهم زدن تناسب قوای فعلی و ایجاد تناسب قوای جدید و فشار گسترده و همه جانبه به حاکمیت امکان تحقق ندارند. از این رو معلمان مبارز و زحمتکش در روند مبارزه خود ناگزیرند و میبایست حمایت دانش آموزان، دانشجویان، خانواده ها را بخود جلب و این قوای عظیم را باخود همراه سازند. تنها در این صورت و در صورت تلفیق خواست های خود با خواست های دیگر اقلشار اجتماعی بویژه کارگران و جوانان و غیره است که تناسب قوا را به نفع خود تغییر خواهند داد.

ها و شهرستان های یزد، اصفهان، خراسان، کردستان، آذربایجان شرقی، گیلان، قزوین، همدان، استان مرکزی، آذربایجان شرقی، ایلام، کرمانشاه، زنجان، کرمان، اردبیل، خمینی شهر، دزفول، ارومیه، شهرری، مازندران، اسلامشهر، کاشان، دماوند، کوچصفهان، الیگودرز، کرج، شیراز، شهرضا، اهواز، شوشتر و کانون صنفی معلمان ایران است در نشست روز دوازدهم اسفند خود با انتشار بیانیه ای ضمن تشریح درخواست های خود و از جمله «تصویب بی قید و شرط لایحه خدمات مدیریت کشوری با تاکید بر اجرای کامل فصول ۱ و ۳۱ آن از اول سال ۱۳۸۸»، «نگرانی از رواج تحجر» و «عدم برخورد امنیتی و قضایی با فعالان صنفی و فعالان تبعید شده» را به عنوان برخی از خواسته های خود اعلام کردند.

شورای هماهنگی کانون های صنفی معلمان همچنین در بیانیه ای که به امضای نمایندگان بیش از ۲۳ تشکل صنفی معلمان سراسر کشور

گزارش تفصیلی از گردهمایی معلمان از کانون صنفی معلمان تهران

بالاخره اعضای کانون صنفی معلمان ایران در ساعت ۵ صبح آزاد شدند.

مسئولین کشور تدابیر شدید امنیتی برقرار کرده بودند، همه ی ایستگاه های منتهی به بهارستان، سعدی، ملت، دروازه ی شمیران، طالقانی، تعطیل بود.

در برخی از ایستگاه هامردم تجمعات کوچکی ترتیب داده بودند. نیروهای نظامی و انتظامی سراسر منطقه را در محاصره ی شدید داشتند. از توپخانه تا بهارستان از چهارراه سرچشمه تا اما حسین از مجاهدین اسلام تا سراسراب و بسیاری دیگر از خیابانها رابه وسیله ی نیروهای ضد شورش پر کرده بودند. خطهای تلفن مردم، باجه های تلفن، موبایل و همه ی وسایل اطلاع رسانی کاملاً بسته است. حتا کافی نت های اطراف بهارستان.

اما! اما! گوش ساختمانها ومغازه های اطراف کر شده است.

هم اکنون گوش آسمان بهارستان از فریاد معلمان ایران و تهران کر شده است.

معلمان سراسر ایران!! همکاران شما در تهران چشم همه را خیره کرده اند

معلمان تهران از ساعت ۷ صبح در جلوی مجلس

میزدند.

خنده ها و گریه ها در هم آمیخته شده بود. تفاوت گریه و خنده چندان زیاد نبود.

آقایان محمود بهشتی و علی اکبر باغانی و چند تن دیگر از فعالان صنفی برای مذاکره با مسئولین مجلس ودولت به درون ساختمان مجلس دعوت شدند.

اکنون تشکل ها قدرت خود را به رخ مسئولین کشیده اند. برگ برنده در دست آنهاست. اکنون دیگر تشکلها آن انسانهای مظلوم رشت و درکه ی تهران نیستند، تا آنان را در سرمای ۱۰ درجه زیر صفر و در برف و باران نگهدارند.

اکنون تشکلها به یاری خدا و همدستی معلمان ایران و تهران قدرتی برتر از دولت دارند. هنگام آن است که شمع تبعیض وستم را خاموش کنند.

دنبال فرصتی بودیم تا با دستگیر شدگان گفتگویی انجام دهیم اما خیل جمعیت اجازه ی حرکت به سمت آنان را نداد. آقایان بهشتی، باغانی و چند تن دیگر سرگرم مذاکره با نمایندگان دولت و مجلس هستند.

مذاکره ای دیگر سه شنبه با حضور شورای هماهنگی آقایان باغانی و بهشتی و دیگر فعالان صنفی کانون پس از ورود به تجمع امروز جلوی مجلس برای مذاکره به داخل مجلس دعوت شدند. و در پشت درهای بسته ی مجلس نزدیک به دو ساعت با نمایندگان دولت و مجلس گفتگو کردند.

ادامه در صفحه ۸

دور هم جمع شده بودند. رفته رفته جمعیت تا ساعت ۹ به ده هزار نفر رسید. همه چشم به راه آمدن بهشتی، باغانی، داوری، پور سلیمان و ... بودند. از ساعات نخستین پیام آقای بهشتی مبنی بر خود داری از دادن شعار تا ساعت ۱۰/۳۰ به گوش همکاران رسید تجمع کنندگان به احترام یاران بازداشت شده، از دادن شعار خودداری کردند.

اما به محض وارد شدن یاران بازداشت شده، به جمع آنان غریو فریادهای مظلومانه قلب ساختمان را به لرزه در آورد. فضای تهران لبریز از فریاد های ۱۲ هزار معلم آگاه شد:

بهشتی باغانی حمایت می کنیم

بهشتی باغانی حمایت م یکنیم

بهشتی باغانی خدانگهدار تان

با آمدن بهشتی و باغانی در ساعت ۹ صبح به جمع معلمان. همگی به سوی آنان شتافتند و ایشانرا در آغوش کشیدند
معلمان با چهرهای خندان اما مصمم با همه ی جان ودل فریاد میزدند.

"مشکل ما حل نشه مدرسه تعطیل می شه"
"معلم بیدار است از تبعیض بیزار است"

"یا حجت ابن الحسن ریشه ی ظلمو بکن"
در آسمان تهران طنین انداز است.

حتا ساختمان مجلس از فریاد معلمان می لرزد.

هنوز هم مدعیان عدالت راسرزنش می کنند.
مدعی عدالت خجالت خجالت

برخی از شوق می گریستند. برخی لبخند

باد و خاطره حماسه آفرینان سياهكل و قيام توده ای بهمن ۵۷ را پاس داریم

اما نباید فراموش کرد که نه اقدام انقلابی رفقای ما و نه خیزش توده های زحمتکش مردم، به تنهایی و بدون تشکل و آگاهی طبقه کارگر و به میدان آمدن این طبقه قدرتمند و بدون سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، نمیتوانست و نتوانست ارمانهای رزمندگان سياهكل و توده های قیام کننده در بهمن ۵۷ را متحقق سازد. همانطور که به تجربه دیدیم هرچند در نتیجه رزم دلاورانه چریکهای فدائی خلق و قیام شکوهمند بهمن ماه رژیم شاه سرنگون شد، اما باز هم برای چندمین بار بورژوازی ایران در سازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی قدرت سیاسی را در چنگ خود حفظ کرد و با تلفیق دین و دولت یکی از ارتجاعی ترین روینای سیاسی را بر جامعه ما حاکم گردانید.

اینک که ۳۶ سال از حماسه سياهكل و ۲۸ سال از قیام خونین توده های مردم سبری میشود، بدلیل وجود همین ضعف ها و عدم تشکل و انسجام طبقه کارگر و نبود ستاد رزمنده آن، حاکمیت صاحبان قدرت و ثروت همچنان ادامه یافته است.

با گذشت زمان و رشد آگاهی و مبارزات مردم که همزمان تیغ فریب و سرکوب برائی خود را از دست میدهد و توده های مردم، کارگران، زنان، جوانان و ملیت های مختلف درمیابند که راهی جز تشدید مبارزه در مقابل نظام ارتجاعی حاکم ندارند، رژیم جمهوری اسلامی نیز در هراس از اوج گیری جنبش های اجتماعی به دامن زدن به بحرانهای خارجی روی میآورد و با مستمسک قراردادن حقوق بین المللی مربوط به حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و وانمود کردن آن بعنوان مسئله ای ملی و مربوط به استقلال کشور، بر آن است تا به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی دامن زده و با طرح خطر حمله نظامی آمریکا، جنبش های کارگری و مردمی را سرکوب نماید.

از طرف دیگر امپریالیسم آمریکا که برای سلطه بر منطقه و کنار زدن رقبای خود به هر جنایتی دست میزند و برای رسیدن به هدف خود تاکنون مردم افغانستان و عراق را به خاک سیاه نشانده است، بر آن است تا با بهانه قراردادن فعالیت های آتمی جمهوری اسلامی خطر حمله نظامی و جنگ علیه ایران را حتمیت بخشد.

دریک چنین موقعیت و فضائی است که جریانات ارتجاعی و بورژوائی که با منافع آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران و توده های مردم در تضاد و تناقض قرار گرفته اند و پایگاهی در میان مردم زحمتکش نداشته و یا

در نتیجه رویگردانی از منافع توده های زحمتکش مردم، پایگاه اجتماعی خود را از دست داده اند، به نیروهای خارجی و کرامات امپریالیسم آمریکا دل بسته اند و خواهان محاصره اقتصادی و حمله نظامی به ایران هستند.

دسته دیگر به اقدامات جناح های باصطلاح «دورانیدش» و «اصلاح طلب» رژیم دلبسته اند و هردوی این خط و مشی ها توده های مردم را از اقدامات مستقل خود بر حذر میدارند. در حالیکه منافع توده های کارگر و زحمتکش مردم و مبارزه آنها برای رسیدن به خواست های انسانی و طبقاتی خود با منافع هر دو گروه یاد شده، یعنی کمپ امپریالیستی و رژیم حاکم و جناح بندی های درون آن و طرفداران آنها در داخل و خارج از کشور، در تضادی آنتاگونیستی قرار دارد. از اینرو تنها یک جنبش اصیل آزادیخواهانه و سوسیالیستی و طبقاتی میتواند با دفاع پیگیر از منافع طبقه کارگر، زحمتکشان، زنان، جوانان، روشنفکران، طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را بسیج کرده و با دست زدن به مبارزه ای رادیکال و انقلابی جامعه را از خطر تداوم سلطه رژیم حاکم و یا جنگی ویرانگر نجات دهند.

گروه دیگر در اپوزیسیون درونی و خارجی این رژیم صحبت از «جریان سوم یا صدای سوم» میکنند که گویا هم مخالف دخالت امپریالیسم آمریکا هستند و هم با جنگ افروزی جناح های محافظه کار رژیم مخالفند. اگرچه در این کمپ افراد و جریاناتی هم به چشم میخورند که خود را چپ و سوسیالیست میدانند، اما چشم داشتن این افراد و جریانات به مواضع عوامفریبانه بخشی از طبقه حاکم و جناح های سیاسی درون رژیم و تمایلات بخشی از طبقه متوسط که در موضع مخالفت با سیاست خارجی بویژه برنامه هسته ای جناح حاکم دارند، آنها را از روشن کردن محتوای طبقاتی چنین «صدای سوم» ی باز میدارد و در نتیجه از طرح و دفاع از خواست های رادیکال کارگران و زحمتکشان و بطریق اولی مبارزه علیه طبقه حاکم و مافیای قدرت و ثروت باز میمانند و بویژه در طرح خواست های طبقاتی و سوسیالیسم از خود تردید و تزلزل نشان میدهند. در حالیکه هرگونه صحبت از «نیروی سوم» و «راه حل سوم» و «صدای سوم» بدون روشن کردن محتوای طبقاتی نیروها و گرایشات سیاسی و برنامه آنها برای تغییرات رادیکال و انقلابی جز به تقویت اهداف و سیاست های دو کمپ ارتجاعی پیش گفته منجر نخواهد شد. ادامه چنین مشی نه تنها قادر نیست توده های کار و زحمت را بسیج کند بلکه در عمل افراد و جریانات مدافع سوسیالیسم در این کمپ را به دنباله حزبات و جریانات ارتجاعی و ضد کارگری این کمپ

تبدیل خواهد کرد.

اما وظیفه شکل دهی به آلترناتیو انقلابی و سوسیالیستی در چنین شرایط حساسی برعهده نیروهای جنبش کمونیستی و کارگری ایران قرار دارد. که باید با دست زد زدن به سکتاریسم و فرقه گرایی و با حرکت از منافع طبقه کارگردست به کار رفع موانع شکل گیری چنین آلترناتیوی باشند. بی شک فائق آمدن بر تشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی از جمله قدمهای ضروری است که در این راستا باید برداشته شوند.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در پی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و نیز تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر به این وظیفه سترگ خود آگاه بوده و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نخواهد کرد و به سهم خود از همه احزاب و سازمانها و افراد کمونیست و انقلابی بویژه کمونیستهای که در صفوف سازمان فدائی مبارزه کرده و تجربه اندوخته اند، دعوت میکند تا صفوف خود را متحد کنند و به جای دامن زدن به تفرقه پراکندگی در این کوششها سهم و شریک شوند.

به یاد داشته باشیم که سالگرد حماسه سياهكل و قیام تاریخی ۲۲ بهمن انجام وظایف و پیگیری اهدافی را به ما گوشزد میکنند که هزاران رفیق ما و ده ها هزار انسان آزادیخواه و سوسیالیست برای تحقق شان جان باخته اند. اهدافی که از آسمان نازل نشده اند بلکه انسانی ترین و مبرمترین خواست ها و آمال و آرزوهای کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان، روشنفکران و بطور کلی نیروی کار و زحمت جامعه ما هستند که بوسیله مافیای قدرت و ثروت انکار و سرکوب میشوند.

بیائید به مناسبت این دو روز تاریخی ۱۹ و ۲۲ بهمن، یاد و خاطره همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرمی داریم و از تجربیات نسل های گذشته در جهت تحکیم صفوف خود و گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم و رسیدن به جامعه ای عاری از ستم استثمار و زور و سرکوب استفاده کنیم.

گرامی باد یاد جان باختگان حماسه سياهكل و قیام خونین بهمن ماه سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران بر فرار باد جمهوری فدرالیو شورائی ایران زنده باد سوسیالیسم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۱۷ بهمن ۱۳۸۵

ایران باید برای مقابله با یک حمله هسته‌ای آماده شود.

ژنرال ایواشف معاون مدیریت فرهنگستان امور ژئوپولیتیک است. وی رئیس دایره عمومی دروزارت دفاع اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود و اکنون دبیر شورای وزارت دفاع جامعه ایالات آزاد (SIC)، رئیس دایره همکاری نظامی در وزارت دفاع فدراسیون روسیه و رئیس مشترک کارکنان نیروهای ارتشی روسیه می باشد.

در جریان سراسری اخباری که از خاورمیانه می رسد، اغلب گزارش های فزاینده ای وجود دارد که در آن ها ذکر شده است در عرض چند ماه آینده، ایالات متحده آمریکا به ایران یک ضربه هسته ای خواهد زد. به عنوان نمونه، نشریه کویتی "عرب تایمز"، از قول منابع مطلعی که نخواستند نامشان فاش شود نوشت که ایالات متحده نقشه کشیده است تا پیش از پایان ماه آوریل ۲۰۰۷ سرزمین ایران را تحت حملات موشکی و بمباران های خود قرار دهد. این کارزار جنگی از دریا آغاز و از پشتیبانی سیستم دفاعی موشک های پاتریوت بهره مند خواهد شد. این امر به نیروهای امریکائی امکان خواهد داد از حملات زمینی خودداری کنند و از کارائی ضربه های متقابل "هر کشور خلیج فارس" بکاهند. در این جا غرض از هر کشور خلیج فارس ایران است. منبعی که این اطلاعات را در اختیار نشریه کویتی قرار داده است باور دارد که نیروهای امریکائی در عراق و در سایر کشورهای منطقه، به یاری موشک های پاتریوت مستقر در مرز (ایران) از حملات موشک های ایرانی در امان خواهند ماند.

بنابراین، آمادگی آمریکا برای یک تهاجم تازه، وارد مرحله کامل تری گردیده است. اعدام صدام حسین و نزدیک ترین همراهانش بخشی از این آمادگی بوده است. غرض از اعدام های نام برده این بوده که به عنوان یک "عمل مبدل" تلاش های برنامه ریزان امریکائی در راستای افزایش عمده تنش، هم در ایران و هم در چارچوب کل خاورمیانه سودمند واقع شود.

با تحلیل نتایج عمل فوق، ایالات متحده دستور اعدام رهبر سابق عراق و همراهانش را صادر کرد. این امر نشان می دهد که آمریکا به

گونه بازگشت ناپذیری برنامه تقسیم عراق را به سه شبه دولت متخاصم یعنی شیعه ها، سنی ها و کردها پذیرفته است. واشنگتن حساب کرده است که وضعیت یک هرج و مرج تحت کنترلش، به آمریکا برای تحت تسلط قرار دادن تولیدکنندگان نفت خلیج فارس و دیگر جاده های مهم استراتژیکی ترابری نفت یاری می رساند.

مهم ترین جنبه این موضوع این است که یک منطقه با جنگ خونین پایان ناپذیری در کانون خاورمیانه ایجاد خواهد گشت که به گونه گریز ناپذیری کشورهای همسایه عراق یعنی ایران، سوریه و ترکیه (کردستان) را به درون آن خواهد کشاند. این امر مسئله بی ثبات کردن کامل منطقه را حل خواهد کرد که برای ایالات متحده به ویژه برای اسرائیل جزو اهداف مهم سیاستشان به شمار می آید. جنگ عراق، تنها یک عامل در سلسله گام هائی بود که در راستای بی ثبات کردن منطقه برداشته شده بود که خود نیز تنها یک مرحله از روند نزدیک تر شدن به مقابله با ایران و سایر کشورهائی است که ایالات متحده آن ها را به سرخ بودن متهم می کند.

هرآینه، وارد شدن به یک کارزار نظامی دیگر برای ایالات متحده آمریکا (که گرفتار کمبود منابع لازم برای اجرای عملیات است) در حالی که در عراق و در افغانستان هنوز صلح و آرامش برقرار نشده است، به آسانی صورت نخواهد گرفت. افزون بر آن، تظاهرات علیه سیاست های نئومحافظه کاران واشنگتن، در سراسر دنیا شدت گرفته است. با توجه به آن چه در بالا گذشت، می توان گفت که آمریکا سلاح های هسته ای خود را علیه ایران به کار خواهد برد و از هنگام حمله ایالات متحده به ژاپن این دومین مورد به کارگیری سلاح های هسته ای در جنگ خواهد بود.

از دیگر سو، محافل نظامی و سیاسی اسرائیل از اکتبر ۲۰۰۶ آشکارا اظهاراتی در مورد امکان وارد آوردن ضربه هسته ای و موشکی به ایران بیان داشته اند. اندیشه آن بلافاصله از سوی جرج بوش پشتیبانی شد که از آن به شکل "لزوم" حملات هسته ای استفاده می گردد. سپس به مردم چنین می قبولانند که باور کنند هیچ امر شریری در این عمل وجود ندارد و این که برعکس، یک حمله هسته ای کاملاً امکان پذیر است. و گویا هیچ راه دیگری جهت متوقف کردن ایران وجود ندارد.

سایر قدرت های هسته ای چگونه واکنش نشان می دهند؟ آن چه مربوط به روسیه است، در بهترین حالت به محکوم کردن حملات پسندیده خواهد کرد و در بدترین حالت - همانند آن چه در مورد حمله به یوگوسلاوی رخ داد - پاسخش چیزی به این صورت خواهد بود: "هر چند چنین عملی از سوی ایالات متحده اشتباه است ولی قربانی آن، خود حمله را برانگیخته بود."

اتحادیه اروپا نیز عمدتاً به همان صورت واکنش نشان خواهد داد. احتمالاً واکنش چین و چند کشور دیگر به تهاجم هسته ای قوی تر خواهد بود. در هیچ صورتی، تهاجم هسته ای به نیروهای امریکائی در کار نخواهد بود (ایالات متحده مطلقاً از چنین امری اطمینان دارد).

سازمان ملل متحد در این چارچوب جائی ندارد. این سازمان که در محکوم کردن تهاجم علیه یوگوسلاوی شکست خورده است با شورای امنیت سازمان ملل متحد عملاً درمسئولیت چنین امری شریکند. نهاد نام برده تنها قادر است قطعنامه صادر کند که درک روسیه و هم چنین دیپلماسی فرانسه از قطعنامه ها منع استفاده از زور است ولی دیپلماسی ایالات متحده و بریتانیا آن ها را درست برخلاف آن، یعنی مجوزی برای تهاجم، تعبیر می کنند.

و اما درباره اسرائیل، اطمینان از این که تحت حملات موشکی ایران قرار گیرد وجود دارد. احتمالاً حزب الله و مقاومت فلسطین فعال تر خواهند شد. در حالی که اسرائیلی ها، که به عنوان قربانی قلمداد خواهند شد، دست به تحریکاتی خواهند زد که تجاوز آن ها را توجیه کند. آن ها باید هم چنین پیه چندین خرابی را به تن خود بمانند. در نهایت، ایالات متحده متجاوز، ثبات ایران را درهم خواهد ریخت و به گونه ای عمل خواهد کرد که کیفر دادن ایران به عنوان ماموریت شریفی تلقی گردد.

برخی بر این باورند که نگرانی هائی ناشی از اعتراضات جهانی می تواند ایالات متحده را متوقف کند. ولی من چنین تصویری ندارم.

ادامه در صفحه ۶



ایران باید برای مقابله با یک حمله هسته‌ای آماده شود.

هرچند که دراهمیت چنین عاملی نباید اغراق شود. درگذشته، من ساعت ها با میلو سویچ به بحث نشستیم تا شاید او را متقاعد کنم که ناتو خود را آماده حمله به یوگسلاوی می کند. او مدت های زیادی این امر را باور نداشت و به من می گفت: " شما منشور سازمان ملل را بخوانید. چه زمینه ای در اختیار دارند که بتوانند دست به چنین عملی بزنند؟"



احتمالاً باید در انتظار انبوه کشتگان خود باشند. این امر برای جرج بوش که در شرایط سختی قرار دارد تحمل ناپذیر خواهد بود. او عملیات زمینی ای را که زیر ساخت کشوری را نابود و پیشرفت کشور را معکوس می کند، ترس و واهمه ایجاد می نماید و موجب هرج و مرج سیاسی، اقتصادی و نظامی می گردد آغاز

ایران البته با عراق تفاوت زیادی دارد. اما اگر متجاوزان موفق گردند بین دوشاخه نیروهای مسلح ایرانی، یعنی ارتش و سپاه پاسداران درگیری ایجاد نمایند در کشور موقعیتی بحرانی به وجود خواهد آمد به ویژه اگر امریکا موفق شود در اوائل کارزار به رهبری ایران ضربه زند، یا با یک حمله هسته ای، یا با حمله گسترده ای که به وسیله سلاح های عادی صورت می گیرد مرکز فرماندهی نیروهای کشور را مختل کند.

در حال حاضر، امکان تجاوز به ایران بسیار زیاد است ولی آشکار نیست که آیا کنگره امریکا با این حمله موافقت خواهد کرد یا نه. یک تحریک برای حذف این مانع اخیر کافی است: حمله به اسرائیل، حمله به یک هدف امریکائی مانند پایگاه های ایالات متحده. درجه چنین تحریکی را می توان با حمله به برج های دوقلوی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قابل قیاس دانست. در چنین صورتی، کنگره حتما موافقت خود را به پرزیدنت امریکا اعلام خواهد کرد.

نوشته: ژنرال لئونید ایواشف (ivashov) در نشریه گلوبال ریسرچ: ۲۴ ژانویه ۲۰۰۷

برگردان: گروه پویا - بلژیک

نخواهد کرد. همه این ها را می توان نخست با به کارگیری مهمات هسته ای و در پی آن با وسائل عادی جنگ ایجاد کرد. غرض از آوردن گروه ناوهای هواپیمابر در نزدیکی سواحل ایران دقیقاً همین مساله است.

اما ایران به چه ساز و برگی برای دفاع از خود مجهز است؟ این ساز و برگ قابل توجه اند ولی به گونه قیاس ناپذیری از تجهیزات امریکائی ضعیف ترند. ایران دارای ۲۹ سیستم دفاع موشک روسی تور (TOR) است که در نهایت پشتیبانی مهمی در پدافند هوائی ایران به شمار می آیند. ولی در حال حاضر، ایران وسیله جلوگیری تضمین شده ای در برابر حملات هوائی در اختیار ندارد.

تاکتیک های ایالات متحده مانند همیشه همان ها خواهد بود: نخست پدافند هوائی و رادارها را از بین می برد و سپس به نیروهای هوائی در هوا و زمین و وسائل کنترل و زیرساخت ها حمله می برد بدون این که کوچک ترین خطری را بر خود هموار سازد.

در طول چند هفته آینده، ما شاهد به کار افتادن ماشین خبری جنگی خواهیم بود. افکار عمومی به همین زودی تحت فشار قرار گرفته است. هستری نظامی ضد ایرانی فراینده، اخبار جدید افشا کننده، ضد اخبار و غیره توسط ماشین نام برده آفریده خواهد شد.

هم زمان، تمام آن چه در بالا گفته شد به

اما آن ها به یوگسلاوی حمله کردند. شوکی به وجود آمد و خشمی حاصل گشت. اما نتیجه دقیقاً همانی شد که تجاوزگران می خواستند: میلو سویچ درگذشت، یوگسلاوی تکه تکه شد و صربستان مستعمره گشت؛ افسران ناتو مرکز فرماندهی خود را در وزارت دفاع کشور برقرار کردند....

نظیر همان مساله در عراق رخ داد. شوکی به وجود آمد و خشمی حاصل گشت. آن چه برای امریکائی ها اهمیت دارد این نیست که شوک تا چه حد بزرگ باشد بلکه درآمدهای حاصل از مجتمع های نظامی - صنعتی شان تا چه اندازه زیاد است.

اطلاعاتی که بر اساس آن دومین ناو هواپیمابر امریکا تا اخر ماه ژانویه به خلیج فارس می رسد تحلیل و تفسیر موقت جنگ را امکان پذیر می سازد. ایالات متحده در حمله هوائی به ایران بیشتر از مهمات هسته ای استفاده خواهد کرد. موشک های کروز - که توسط نیروهای هوائی ایالات متحده و کشتی ها و زیر دریائی ها حمل خواهد شد - و هم چنین موشک های بالستیک به کار خواهد رفت. حملات هسته ای، احتمالاً حملات هوائی نیروهای مستقر در ناوهای هواپیمابر و دیگر امکانات را در پی خواهد داشت.

فرماندهی نیروهای ایالات متحده تلاش می کند از عملیات زمینی پرهیز کند. ایران دارای ارتش نیرومندی است و نیروهای امریکائی



گرامی باد تولد سازمان و گرامی باد خاطره ۱۵ ستاره سرخ سیاهکل

در دهه پنجاه رفقای پیشگام سازمان ما با توجه به دوران اختناق و سرکوب پس از کودتای ۲۸ مرداد ماه ورکود حاکم بر جنبش و بی عملی که روشنفکران به آن مبتلا بودند با تاسی به تجارب جنبش های رادیکال موجود در جهان در درون هسته های مختلف کمونیستی گرد هم آمده و به تحلیل از موقعیت اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه ایران پرداخته و عزم خود را جزم نموده بودند تا طرحی نو در انداخته و برای پیش برد جنبش طبقاتی به سمت جلو تلاش خود را به کار بندند.

و جنبش کمونیستی را از آن رخوت و سستی که بر اثر اندیشه های راست و اپورتونیستی حزب موجود وقت بر آن دچار شده بود خارج نموده و پرچم سرخ کارگران را بر تارک مبارزات ایران بر افراشته نگاه دارند. به همین دلیل پس از مطالعه های فراوان در رابطه با تجارب جنبشهای مختلف و پرولتاریاهای پیروز موجود بر آن شدند که ابتدا حزب طبقه کارگر را ایجاد نموده و برای این منظور به روستاها و کارخانه ها برای وظیفه کمونیستی خود که همانا ترویج و تبلیغ و تشکل است گسیل شدند اما پس از برخورد با توده ها و کارگران دریافتند که مسایل اجتماعی را توده ها در زندگی روزمره خود بخوبی حتی در بعضی موارد بهتر از پیشاهنگان خود دریافته اند و آنها میدیدند که توده ها بر اثر فعالیت های قبلی حزب توده و عملکردهای آن نه تنها به پیشاهنگان اعتمادی ندارند بلکه به چشم اندازه آینده مبارزاتی نیز بی اعتماد هستند. به همین دلیل برای جلب اعتماد توده ها و با استفاده از تجارب مبارزاتی موجود در امریکای لاتین طرحی نو را در دستور کار مبارزاتی خود قرار دادند و به همین دلیل هسته های شهر و روستا و کوهستان را پدید آورده و از پیوند این هسته ها سازمان چریکهای فدایی خلق را بنیان گذاری نمودند.

هسته کوهستان تحت فرماندهی رفیق کبیر صفایی فرهانی در ۱۹ بهمن ۴۹ برای نجات یکی از رفقا که سپاهی دانش روستای سیاهکل بود به پاسگاه سیاهکل حمله نموده و تمامی اسلحه های موجود در پاسگاه را مصادره نمودند و با این حمله ناقوس مرگ را برای رژیم سرمایه داری وابسته شاه بصدا در آوردند و با این عمل انقلابی خود پوشالی بودن قدرت ساواک و ترخیالی جزیره ثبات را که رژیم وقت بیان می کرد به نمایش گذاشتند از آن پس شمارش معکوس سقوط رژیم آغاز گشت.

آری با بصدا در آمدن این ناقوس بود که سازمان پر افتخار چریکهای فدایی خلق تولد جنبش نوین کمونیستی را در ایران و منطقه به گوش همه گان بخصوص کارگران و زحمتکشان میهنان و منطقه رسانید و با اعمال متحورانه همراه با صداقت کمونیستی خود نشان داد که لیاقت آن را داراست که به عنوان بازوی مسلح کارگران پذیرفته شود مگر نه اینست که ما معتقدیم که کارگران از بین صادقترین و مبارزترین و شجاع ترین سازمانهای کمونیستی بازوهای خود را انتخاب می نمایند. با پشتوانه این مبارزات صادقانه و دلورانه بود که در اول ماه مه ۵۸ با فراخوان سازمان بیش از صدها هزار کارگر به خیابانها آمدند.

آری اینک بسیاری از آن رفقا در بین ما نیستند اما تجارب آنها همواره چراغ روشنی برای مبارزات ما در آینده بوده و هست و اینک در این شرایط بحرانی که کشور ما با آن روبرو است و با توجه به اینکه نیروهای دم خود را به دم نیروهای امپریالیستی در منطقه بسته اند و در شرایطی که رژیم به علم کردن بخشهایی از پیکره خود قصد دارد تا بین خواست برحق طبقه کارگر و توده ها که همانا آزادی و عدالت اجتماعی است جدایی بیاندازد و با شکست هردو جناح چه نماینده گان دروغین آزادی {اصلاح طلبها} و چه نماینده گان دروغین عدالت {نان} احمدی نژاد در انتخابات اخیر نشانگر آن بود که توده ها بدرستی دریافته اند که برای برقراری عدالت اجتماعی و برای بدست آوردن آزادی راهی جز سرنگونی رژیم جهل و جنایت اسلامی و برقراری حکومتی مبتنی بر شوراهای کارگری و زحمتکشان نیست بنا بر این در شرایط

کنونی برای مقابله با بحران موجود جامعه که بعضی از جریانات سرسپرده سرنگونی حاکمان را با نیروهای امپریالیستی گره می زنند هیچ چاره ای جز به میدان آمدن نیروهای مردمی و طبقه کارگر باقی نمانده لذا ما کمیته ولایتی کرج اتحاد فداییان کمونیست به عنوان بخشی از پیکره سازمان اتحاد فداییان کمونیست همگام با توده ها و روشنفکران و طبقه کارگر آگاه میهنان اعلام می داریم که بر کلیه نیروهایی که دل در گرو کشورهای قدرتمند دارند خط بطلان کشیده و از تمامی مردم کشورمان می خواهیم که در هر کجا که هستند محلات کارگاهها کارخانه ها دانشگاه ها مدارس ادارات و غیره...

کمیته های اعتراضی و اعتصابی خود را بنا گذاشته و هوشیار آماده باشیم. زیرا تنها راه برای حل بحرانهای موجود به میدان آمدن نیروی طبقه و توده های زحمتکش میهنان است.

سرنگون باد رژیم جهل و جنایت اسلامی

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیزم

کمیته ولایتی کرج ۸۱/۱۱/۵۸

گزارش تفصیلی از گردهمایی معلمان از کانون صنفی معلمان تهران

درباره ی نتیجه ی این مذاکره گفتگویی داشتیم با آقای باغانی دبیر کل کانون صنفی معلمان تهران، ایشان در این باره گفت: قرار است، نشست چند جانبه میان شورای هماهنگی کانونهای صنفی معلمان ایران از یک طرف و از طرف دیگر هیات دولت و مجلس شورا، برای بررسی و مذاکره پیرامون نتایج لایحه، بودجه و استیضاح وزیر بصورت فوق العاده در تهران به دعوت از دبیر خانه ی کانونهای صنفی معلمان برگزار شود.

آقای باغانی در پاسخ به این پرسش که برنامه های بعدی شما چه خواهد بود؟ گفت: برنامه های بعدی ما بستگی به شرایط مذاکره دارد، که

در روز سه شنبه با حضور نمایندگان همه ی تشکلهای در تهران انجام خواهد شد.

آقای باغانی از همه ی همکاران، گروهها و رسانه هایی که در طول شب گذشته برای آزادی ایشان و سایر همسنگران تلاش بی وقفه نموده اند سپاسگزاری نمود. همچنین از خانم های همکار که با همه ی مشقت و دشواری به یاری دیگر همکاران خود آمده اند قدر دانی نمود.

از ایشان در باره ی علت در پیش گرفتن شیوه ی نوین تحصن همراه با سکوت گفت: برخی از گروهها ی معلوم الحال قصد تشنج آفرینی در میان صفوف معلمان را داشتند که ما با استفاده از این شیوه از این اقدام تفرقه افکنی آنها پیشگیری نمودیم.

آقای باغانی در پاسخ به این پرسش که اتفاق

مسئله ملی و حق تعیین سرنوشت ملل ایران

در این لحظات حساس دوستی، صمیمیت، احترام متقابل و مهمتر از همه اتحاد داوطلبانه و متحد شدن کارگران و سازماندهی تشکلات کارگری است می توان به دموکراسی و آزادی دست یافت زیرا برای نظامهای دیکتاتور فرقی ما بین کارگر کرد، بلوچ، فارس، ترکمن و! ... وجود ندارد و همیشه سعی کرده آنها را در مقابل هم قرار داده و بهره برداری کند.

پس پیش بسوی سازماندهی شوراها ی کارگری.

بهرنگ
۱۰/فوریه/۲۰۰۷



کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۹۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱
سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

Webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org